

شهادت دوفدائی کرد

پی‌ناوی بوشه‌میدی وه‌تن شیون وگراین شمیدان وطن را نیازی به زاری و شیون نیست تا مرن نه‌وانه واله دلی میلسه تا نه‌ژین زیرا که آنان در دل ملت جاودانه زنده‌اند.



نبرد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برابر ۱۷ اکتبر ۱۹۸۸
بعاً ۶۰ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۹

عمر برایی

گوهری والا

در پاره وطن ماکردستان، هنوز زخم‌های سال‌ها دیکتاتوری شاهان التیام نیافته بود که در اولین بهار آزادی، تهاجم از زمین و هوا با تانک و توپ و خمپاره و راکت آغاز شد. شهرها، روستاها و انسانها در خاک و خون فلتیدند، وحشیگری ارتشی و پاسدار و بسیجی و حکامانی چون خلخالی به اوج خود رسید، مردم گروه گروه قتل‌عام شدند. جوانان دسته دسته به پای جوخه‌های اهدام روانه گشتند و چنین بود که فجایع قارنا، قهلاتان و حوسین مامه شکل گرفت و جوانان کرمانشاه، سنجند و مجاهد دسته جمعی اهدام شدند. در میان شهدای مردم، عزیزترین رفقای ما هم بخون فلتیدند، گرجی بیانی، خلیقی، تقدیری، کشی زاده، شیرخانی، احمدزاده، پیرانی، پارسا، شیدایی، بهروزنیا، ناهیدها و خلیغنه زاده‌ها دهها و دهها فدایی دیگر

شبی است وحشتناک، صدای توپ از طرف پادگان شهر یک آن قطع نمی‌شود. در این شب تاریک زیر نور منورها هر حرکتی پیدا است، قرش بقیه در صفحه ۶

رسیدند. از دست دادن این دو فدایی رزمنده برای سازمان ما و هرآن‌کس که با خصوصیات آنها آشنا بوده است، بسیار دردناک است. ما اندوه فقدان این رفقای دلیر را جانمایه نبرد با سرکوبگران خلقها می‌سازیم و خاطره آنان را جاودانه عزیز می‌داریم.

سازمان ما در روزهای گذشته دو تن از مبارزین فداکار و قهرمان خویش را از دست داد. رفیق فداکار و قهرمان "عمر برایی" (مام علی) و فدایی خلق "عارف خلیغنه زاده" (هاوری خدر) در منطقه کردستان، در جریان حملات رژیم جنایتکار صدام حسین به شهادت

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برگزاری پلنوم شهریورماه ۶۷

اصلاحاتی مورد تصویب قرار داده و قرار انتشار آن را صادر کرد. در این گزارش تحولات اخیر در اوضاع کشور و سمت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از نیروهایی که می‌توانند یک جبهه وسیع باهدف سرنگونی رژیم، تامین دموکراسی و تضمین صلح مبارزه کنند، صریح‌نام برده شده است.

پلنوم همچنین فعالیت هیات سیاسی در فاصله دو پلنوم را مورد نقد و بررسی قرار داد و با صدور قطعنامه‌هایی درباره برخی از مهم‌ترین مسایل ورخداهای زندگی درون سازمانی طی یک سال اخیر اظهار نظر کرد.

مهمترین مراضه کار پلنوم اتخاذ تصمیمات در زمینه تدارک نخستین کنگره سازمان بود. پیرو تصمیمات پلنوم‌های مهر ۶۳ و فروردین ۶۵، مهر ۶۶ اکنون در پلنوم شهریورماه ۶۷ گام بلند بقیه در صفحه ۲

قرار زیر بود:

- بررسی گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی درباره اوضاع سیاسی کشور و مواضع ما.
- اتخاذ تصمیمات ضرور در رابطه با تدارک برگزاری نخستین کنگره سازمان.
- پلنوم پس از بحث روی گزارش هیات سیاسی "پیرامون اوضاع سیاسی کشور و جهان" آن را با

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نیمه دوم شهریور ماه سال جاری تشکیل گردید و با درود بر خاطره رفیق کبیر انوشیروان لطفی و رفقا فرامرز صوفی، مهر برایی و عارف خلیغنه زاده و با درود بر دیگر شهدای قهرمان سازمان و جنبش، کار خود را آغاز کرد. دستور کار پلنوم شهریور ۶۷ به

پیام کمیته مرکزی سازمان

به اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور

در صفحه ۲

پیام پلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق

کشتار جمعی خلق کرد عراق را محکوم می‌کنیم

در صفحه ۲

شیلی: مبارزه با پینوشه ادامه دارد

خواست که این طریق و شیوه بدیع در فروپاشی یک دیکتاتوری، از کشوری آغاز شود که در آن، منزوی‌ترین و منفورترین دیکتاتور در سطح جهان، حکومت میکند.

پیروزی اپوزیسیون شیلی در همه‌پرسی ریاست جمهوری، بزرگترین شکستی است که پینوشه، دیکتاتور این کشور از هنگام کودتای خونین خود در ۱۵ سال پیش، متحمل شده است. رفاندومی که قرار بود رژیم که در هرصه بین‌المللی منزوی است، "مشروعیت دموکراتیک" ببخشد و ضربه مرکب‌اری به اپوزیسیون وارد آورد، به خود رژیم ضربه‌ای کاری وارد کرد. بقیه در صفحه ۹

پینوشه، دیکتاتور شیلی، در شرایطی که در تاریخ شاید بی سابقه باشد، ناچار شد شکست خود را در رفاندومی بپذیرد که خود ترتیب داده بود تا از مردم برای ادامه حکومت ننگین‌اش رای بگیرد. شکست دیکتاتوری ناشیستی شیلی در رفاندوم، آن هم در شرایطی که همه امکانات تبلیغاتی و سرکوبگرانه‌اش را برای پیروزی بسیخ کرده بود، پیروزی بزرگ دموکراسی نه تنها در شیلی، که در مقیاس بین‌المللی است. مردم شیلی، این بانگ‌رسانی بشریت را فریاد کردند: هصر دیکتاتورها به سر رسیده است! جهان ما، دستخوش تحولات دوانسازگی است. تقدیر چنین

کاهش بهای نفت و بحران اضافه تولید

مقاله حاضر می‌کوشد تا تصویری از وضعیت فعلی حاکم بر بازار جهانی نفت، بحران اضافه تولید اوپک و مشکلات اصلی اوپک در اجلاس آتی آن ارائه دهد.

بهای نفت در بازارهای جهانی این کالاه در لحظه فعلی، در مقام مقایسه با آغاز سال میلادی حاضر، بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است. با در نظر گرفتن نرخ تورم در سنجش بهای نفت، باید گفت که بهای نفت اینک به کمتر از بهای ۱۵ سال قبل رسیده است. اضافه تولید نفت کشورهای عضو سازمان اوپک (که اخیراً در پی تصمیم جدید عربستان سعودی، بازم بقیه در صفحه ۳

درآمد ارزی ناشی از تولید صادرات نفت در کنار "اعتبارات خارجی" از مهمترین عوامل تاثیرگذار در روند بازسازی اقتصادی و هم‌رانی جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند. جمهوری اسلامی در تبلیغات دائمی خود و با هیاهو به راه انداختن حول درآمد ارزی نفت می‌کوشد تا نقش "اعتبارات خارجی" را مسکوت بگذارد. پی گرفتن مسائل اقتصادی مربوط به بازسازی اقتصادی و هم‌رانی و از آن جمله دنبال کردن لحظه به لحظه وضعیت تولید و صدور نفت در بازارهای جهانی از نهایت درجه اهمیت برخوردار است. در پاسخگویی به این ضرورت حتمی،

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران سازمان
در خارج از کشور

فدائیان خلق!

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی همه امکانات خود را بکار گیرید!
افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید!

در زندان های جمهوری اسلامی از پیکر فرزندان در بند خلق جوی خون جاری است. رژیم خون آشام خمینی زندانیان سیاسی را گروه گروه به جوخه های اعدام می سپارد. کوچه ها و خیابانها به منظور بازداشت های جمعی در ترقق پاسداران و مزدوران امنیتی رژیم خمینی است. برای ربودن فرزندان مردم راهزانه به خانه ها یورش می آورند، زندانیان سابق را دوباره بازداشت می کنند و به شکنجه گاهها می برند.

خاوران، این گلزار به خون خفتگان، شاهد گورهای دسته جمعی تازه است!

با همه امکانات و همه توان خود به انضام جنایات برخیزید!
- افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران و به اعتراض برانگیزید.

با بهره گیری از همه امکانات و با تمام قوا برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنید!

علیه جنایات هولناک رژیم خمینی، در هر کجا که هستید، دستها را به اتمام بفرساید، مشت ها را به اعتراض برافرازید، فریادهای خشم پلتنین اندازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۶۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برگزاری پلنوم شهریور ماه ۶۷

بقیه از صفحه اول

دیگری در راه برگزاری کنگره به پیش برداشته شده است. پلنوم شهریور ماه، بررسی و تصویب پیش نویس طرح برنامه سازمان را در دستور اساسی پلنوم آتی کمیته مرکزی تعیین کرد. در پلنوم تصمیمات دیگری نیز در عرصه های مختلف زندگی سازمانی و فعالیت انقلابی سازمان اتخاذ گردید.

در پایان، پلنوم ارگان های دستگاه رهبری سازمان را با همان ترکیب قبلی در مسئولیت های خود ابقا کرد. پلنوم همچنین پیام های جداگانه ای خطاب به زندانیان سیاسی ایران، خطاب به حزب کمونیست و سایر نیروهای مترقی

عراق در حمایت از خلق کرد عراق و خطاب به حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در پشتیبانی از رفقا کولتو و سارگین صادر کرد.

پلنوم شهریور ماه ۶۷ کمیته مرکزی از نظر گستردگی طیف مسایلی که در دستور داشت و به حل و فصل آنها نایل گردید، از نظر مرور بر کارنامه یک ساله دستگاه رهبری و اظهار نظر پیرامون برخی از جوانب مهم آن، و بویژه از نظر اهمیت تصمیمات آن در رابطه با تدارک نخستین کنگره سازمان حایز برجستگی است. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم شهریور ماه ۶۷ یک گام بزرگ و نیرو بخش و به پیش در راه تحقق اهداف والای انسانی و انقلابی سازمان است.

دبیر خانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول مهر ماه ۶۷

پیام پلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق
کشتار جمعی خلق کرد عراق را محکوم می کنیم

رفقا و دوستان گرامی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انزجار عمیق خود را از جنایت هولناک رژیم تبهکار صدام در کشتار خلق کرد عراق اعلام می دارد. حکام جنایتکار عراق که در طول سال های اخیر با کشتار هزاران زن و مرد و کودک بی گناه کرد، بمباران های وحشیانه و ویران کردن شهرها و روستاهای کردنشین، کوچاندن اجباری و تلاش برای هربری کردن مناطق کردنشین نتوانستند بر هزم و اراده استوار این خلق بیخاسته فائق آیند، اینک مذبذبه تلاش می کنند که با کار برد وسیع سلاح های شیمیایی به اهداف ضد انسانی خود دست یابند، اکنون بیش از پیش بر جهانیان آشکار می شود که حکام فاشیست عراق رسماً سیاست "قوم کشی" را در کردستان پیش می برند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این جنایت فاشیستی را قاطعانه، محکوم می کند و مراتب همبستگی و همدردی عمیق خود را با شما و از طریق شما با خلق بیخاسته کرد عراق ابراز می دارد.

رفقا و دوستان!

دو رژیم ضد بشری صدام و خمینی پس از قطع جنگ، تعقیب و کشتار نیروهای انقلابی دو کشور و سرکوب جنبش های ملی و مترقی را تشدید کرده اند.

فاشیستی عراق با بمب و کلوله و گازهای سمی صدها هزار تن از مردم کردستان عراق را کشته مجروح و آواره نموده، رژیم قرون وسطایی خمینی در انتقام از مردم ایران علاوه بر تدارک دور تازه ای از سرکوب و جنایت در کردستان ایران، به کشتار جمعی زندانیان سیاسی روی آورده است. دو رژیم مسابقه جنایت و آدم کشی را همچنان ادامه می دهند.

مردم ایران که همانند مردم عراق در طول جنگ خانمان سوز ۸ ساله مصائب بی شماری را متحمل شده اند، به جنایات رژیم صدام علیه خلق کرد با خشم و نفرت می نگرند و آنرا قاطعانه محکوم می کنند. هم میهنان ما از مبارزات حق طلبانه خلق کرد عراق پشتیبانی می کنند و با افشاز بازپناهندگان کرد را پذیرا شده، هر گونه کارشکنی رژیم جمهوری اسلامی دز امر ورود پناهندگان به خاک ایران و هر گونه سوء استفاده از قربانیان تبهکاری صدام را به شدت محکوم می نمایند.

رفقا و دوستان گرامی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز همانند شما بر این باور است که برای مقابله با سرکوب های وحشیانه دو رژیم علیه خلق کرد، تأمین و تحکیم اتحاد همه نیروهای جنبش ملی خلق کرد و مدافعان پیگیر حقوق ملی و دمکراتیک آن در هر یک از دو کشور و اجداهمیت حیاتی است. تقویت همبستگی جنبش ملی خلق کرد در دو کشور برای خنثی کردن توطئه های دو رژیم و تلاش مشترک و گسترده نیروهای انقلابی و دمکراتیک هر دو کشور برای جلب حمایت افکار عمومی جهانی ضرورت مبرم دارد.

پلنوم باردیگر بار برد و وحشیانه سلاح شیمیایی و کشتار جمعی مردم بی دفاع کردستان عراق به دست رژیم صدام را قاطعانه محکوم کرده، از همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران و عراق، از همه انسان های آزاده جهان و از همه مجامع بین المللی طلب می کند تا با هر امکانی که در اختیار دارند علیه "قوم کشی" در کردستان عراق مبارزه نمایند. و برای متوقف ساختن این جنایت هولناک که لکه ننگی بر دامن بشریت و علیه روند استقرار صلح پایدار میان دو کشور است، از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهریور ۱۳۶۷

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه اول

افزایش یافت، باعث کاهش هر چه بیشتر بهای نفت گردید. هم اینک بهای نفت پرازش دریای شمال (برنت) به ۱۱٫۴۸ دلار به ازای هر بشکه کاهش یافته است و این به این معناست که بهای نفت برنت تنها ظرف دو هفته ۲ دلار کاهش قیمت داشته است.

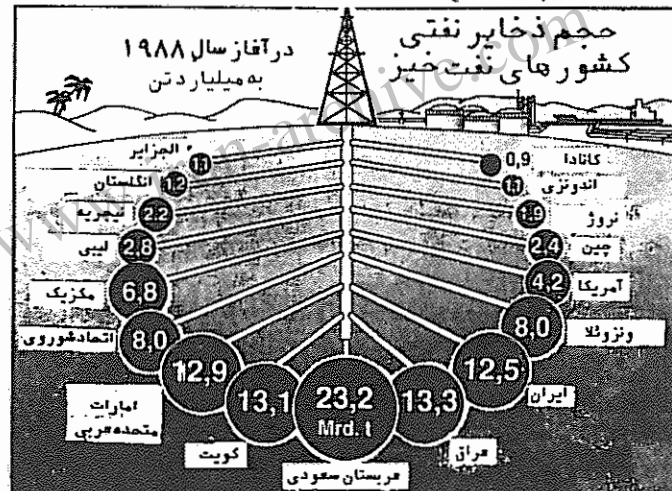
شرکت ملی نفت مکزیک در یک اطلاعیه مطبوعاتی، عامل اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی را، اقدامات غیرمستولانه کشورهای صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس اعلام کرده است. چنانکه اشاره شد، تصمیم اخیر عربستان سعودی در دو هفته گذشته، باعث افزایش یکباره تولید (اضافه تولید) نفت اوپک گردید و این در کاهش یکباره بهای نفت تاثیر فوق العاده ای نهاد. دولت عربستان سعودی اخیراً تصمیم گرفت که تولید نفت خود را از ۴٫۳ میلیون بشکه در روز - که سهمیه عربستان سعودی است - به ۵٫۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. کارشناسان جهانی امور نفتی بر این اعتقاد هستند که عربستان سعودی حتی روزانه بالغ بر ۶ میلیون بشکه نفت تولید می کند - دولت عربستان سعودی که رسماً افزایش تولید نفت خود را اعلام کرده است، مدعی است که با این شیوه با تولید اضافه بر سهمیه کشورهای دیگر عضو اوپک و از جمله عراق و ایران مقابله خواهد کرد. کارشناسان امور نفتی در لندن اعلام کرده اند که تصمیم عربستان سعودی مبنی بر افزایش یکباره تولید نفت خود، تنها مقابله با دیگر اعضای اوپک - که همگی بطور قابل ملاحظه ای بیش از سهمیه های تعیین شده نفت تولید می کنند - نبوده، بلکه یک تصمیم اقتصادی است. عربستان سعودی بر اساس اطلاعات رسمی تنها در سال جاری برای چهارمین بار در تراز پرداختی خود مجبور به پذیرش کسری شده است. ذخایر پولی عربستان سعودی که زمانی بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار بود، اینک به ۲۵ میلیارد دلار کاهش یافته است.

گرچه اضافه تولید یکباره نفت عربستان سعودی، از ۴٫۳ به ۶ میلیون بشکه در روز، در کاهش بهای نفت و در بحران تولید اضافه نفت جهان به شدت تاثیر نهاد. ولی در "جنگ قیمتها" موضوع تولید اضافه تنها مربوط به عربستان سعودی نمی شود، همان گونه که

کاهش بهای نفت و بحران اضافه تولید

گفته شد، عربستان سعودی به بهانه نقض سهمیه های تعیین شده از سوی دیگر کشورهای عضو مبادرت به تولید اضافه کرد. اگر از تولید اضافه چند کشور غیر همده عضو اوپک صرف نظر بکنیم، بحران تولید اضافه نفت اوپک در سالهای اخیر، عمدتاً به کویت، امارات متحده عربی و عراق مربوط می شود. عراق که به لحاظ ذخایر نفتی، پس از عربستان سعودی، در رده دوم قرار دارد، از دسامبر سال ۸۶، از پذیرش مصوبات و تصمیمات اوپک امتناع ورزید

نشد حتی تولیدی به اندازه سهمیه خود داشته باشد. اما از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام آتش بس، جمهوری اسلامی امکان آن را یافت که نفت بیشتری را از طریق ترمینال های نفتی خود به بازارهای جهانی روانه سازد. بنا به گزارش فاینشال تایمز چاپ انگلیس، میزان تولید نفت جمهوری اسلامی در هفته های اخیر، بسیار بیش از سهمیه تعیین شده از جانب اوپک بود و به ۳ تا ۳٫۲ میلیون بشکه در روز بالغ می شود. بدین ترتیب با افزایش تولید



عربستان سعودی و جمهوری اسلامی به اضافه تولید سابق نفت اوپک، بحران "تولید غیر منطقی" نفت تشدید شده و بهای نفت رو به کاهش نهاده است. بنا به گزارش کارشناسان بین المللی امور نفتی، بهای نفت دویی در روزهای اخیر به بشکه ای ۹٫۹۵ دلار رسیده است. این در حالی است که بهای نفت دویی در برخی معاملات نفتی حتی تا ۹٫۵ دلار بازی هر بشکه کاهش یافته است. روزنامه های غربی در پی تصویر وضعیت فعلی اوپک و بازار جهانی نفت، این پرسش را پیش می نهند که "آیا کار اوپک تمام شده است؟" بدیهی است که انحصارات نفتی و کمیتهای

حاضر به پذیرش سهمیه تعیین شده از جانب اوپک نشد. عراق طی این مدت دو برابر سهمیه تعیین شده خود نفت تولید کرد. کویت و امارات متحده عربی نیز طی این مدت، هرگز سهمیه تعیین شده را رعایت نکردند و بیش از سهمیه خود، نفت به بازارهای جهانی تزریق نمودند. باید خاطر نشان کرد که به لحاظ ذخایر نفتی کویت و امارات متحده عربی، پس از عربستان سعودی و عراق، بیشترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند.

جمهوری اسلامی نیز همواره مایل بود که تولید خود را افزایش دهد. اما در زمان جنگ هرگز قادر

نفتی عظیم دنیای امپریالیستی موسوم به "هفت خواهران"، از درهم شکستن اوپک سود کلان می برند. سیاستهای غیرمستولانه و وحدت شکنانه کشورهای عضو اوپک، به همراه سیاستهای امپریالیستی کمپانی های نفتی در امر کم اثر کردن اوپک در تاثیرگذاری بر اوضاع بازار جهانی نفت موثر و مکمل محسوب می شوند.

وزرای نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، چندی بعد در وین تشکیل جلسه خواهند داد. اما از هم اینک نشستهای نوبتی کمیته های مربوطه اوپک، مسائل و مشکلات را بررسی می کنند. طرف گرفته آینده باید کشورهای عضو اوپک به طرح سهمیه بندی جدیدی برسند. بر اساس این سهمیه بندی جدید، باید روند و میزان تولید نفت کل سازمان اوپک به سطح معقولی کاهش یابد. کشورهای عضو اوپک در این هفته، سریالی از نشستها و کنفرانسها را ترتیب داده اند. در این کنفرانسها و اجلاسها، باید کشورهای عضو اوپک نسبت به مسائل حیاتی "سقوط قیمتها" و "نقض جدی طرح سهمیه بندی" به توافق مشترکی دست یابند. از روز ۱۶ اکتبر اجلاس وزرای نفت کشورهای حوزه خلیج تشکیل جلسه خواهند داد. در روز ۱۲ اکتبر کمیته تعیین قیمت های اوپک در مادرید جلسه خواهد داشت و کمیته تعیین استراتژی دراز مدت اوپک در روز ۲۱ نوامبر در وین نشست خواهند داشت.

تردیدی نیست که برای رسیدن به ثبات قیمت نفت، ضرورت دارد که تولید نفت اوپک کاهش یابد. مشکل اصلی کاهش تولید، در واقعیت امر، موضوع سهمیه بندی نفت تولیدی کشورهای عضو می باشد. عراق در اجلاس آتی وزرای نفت عضو اوپک، بسان چند اجلاس گذشته بر خواست خود مبنی بر داشتن سهمیه برابر با جمهوری اسلامی تاکید خواهد کرد. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت نیز در اجلاسهای گذشته با پیش نهادن شروط غیر قابل قبول برای سایرین، عملاً حاضر به کاهش سهمیه خود نشدند. بدین ترتیب اجلاس آتی اوپک در اوضاع بحرانی حاکم بر بازار جهانی این کالا و در رابطه با نامهارنگی موجود بین اعضای اوپک، از اهمیت و حساسیت عظیمی برخوردار است.

با تصویب مجلس اقدام سپاه و ارتش به تعویق افتاد

رد کردند و آن را در دستور کار هادی قرار دادند. پس از تصمیم مجلس، روز ۲۴ شهریور، اجتماعی از فرماندهان سپاه در استادیوم آزادی تشکیل شد و نقش سپاه در نظام جمهوری اسلامی مورد بررسی و تأکید قرار گرفت. در پایان گردهم آیی خمینی با ارسال پیام کتبی شخصاً اطمینان داد که از بقای سپاه دفاع می‌کند. در کابینه دولت نیز که انتخاب وزیر سپاه به حالت تعلیق درآمده بود، به جای رفیق دوست، شمخانی گمارده شد. بر اساس اظهارات جلالی وزیر دفاع در حال حاضر کمیسیونی مشغول رسیدگی به "طرح" است.

طرح اقدام وزارتخانه‌های دفاع و سپاه پاسداران با پیشنهاد عده‌ای از نمایندگان و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت ۶ ماه به تعویق افتاد. حسن روحانی رئیس کمیسیون نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مجلس که خود یکی از پیشنهاد دهندگان تعویق تصویب اقدام ارتش و سپاه است، در جلسه روز شنبه ۲ مهرماه در مجلس گفت که "طرح" به صورتی که ارایه شده بود، غیر عملی است. دو ماه پیش طرح اقدام سپاه و ارتش به صورت یک فوریت به مجلس داده شد و نمایندگان پس از بحث و بررسی فوریت طرح را

سفارت کویت در تهران بازگشایی می‌شود

مناسبات دیپلماتیک خود را با ایران هادی سازد. یک هفته بعد از گزارش واشنگتن پست، وزیرای خارجه ایران و کویت در نیویورک در محل مجمع عمومی سازمان ملل دیدار کردند و توافق هر دو کشور را برای از سرگیری مناسبات دیپلماتیک در سطح سفیر اعلام داشتند. سیاست هادی سازی روابط با جمهوری اسلامی یکی از تصمیمات اجلاس اخیر شورای همکاری خلیج است.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست بنقل از منابع مسئول کویتی، هم‌اکنون سه فرستاده دولت کویت برای مذاکره در مورد بازگشایی سفارت کویت در تهران، در ایران به سر می‌برند. سعود العصیمی وزیر مشاور در امور خارجه کویت طی مصاحبه با "واشنگتن پست" ضمن تأیید خبر حضور فرستادگان کویتی در تهران، اعلام کرد که کویت هرگز مسئله مستقیمی با ایران نداشته است و در صداست در اسرع وقت

تهران ۸ میلیونی تنها ۳۰۰۰ دستگاه اتوبوس دارد

نقطه ۳ هزار دستگاه اتوبوس، ۱۵ هزار دستگاه تاکسی و ۴۵۰۰ دستگاه مینی‌بوس به جایابی مسافران اختصاص یافته‌اند. طبق برآورد کارشناسان ترافیک حداقل برای رفع نیاز مردم در خطوط اتوبوسرانی، ضروری است که هزار دستگاه اتوبوس بر شمار اتوبوسهای موجود افزوده شود. در حال حاضر برای هر یک صد هزار شهروند تهرانی کمتر از ۴۰ دستگاه اتوبوس وجود دارد و روزانه بیش از ۳٫۵ میلیون ساعت از وقت مردم در صف انتظار اتوبوس تلف می‌شود. دولت بر زمینه نیاز عمومی، راه‌آذانی و افزایش هزینه حمل و نقل را اتخاذ کرده است.

در میان انبوه مشکلات مردم، دسترسی به وسیله نقلیه برای رسیدن به محل کسب و کار یکی از گرفتاریهایی است که بر کرده هموم مردم سنگینی می‌کند. هر سال بر شمار جمعیت و وسعت جغرافیایی شهرها افزوده می‌شود اما "خدمات" از جمله سرویس اتوبوسرانی همچنان با ۱۵ سال گذشته فرقی نکرده است. مدیرعامل شرکت واحد تهران در مورد وسایل نقلیه در این شهر می‌گوید: "امکانات حمل و نقل شهری امروز ما با ۱۵ سال پیش تفاوت نکرده است و حال آنکه جمعیت پنج برابر شده است." در تهران با جمعیتی قریب به ۸ میلیون نفر،

خمینی: در مورد رسالت و جامعه مدرسین حرفی نمی‌توانم بزنم

هفته گذشته خمینی به نامه‌ای که دو ماه پیش آذری قمی به وی نوشته بود، پاسخ داد. خمینی در این جوابیه، بدون آنکه به علت تعویق دو ماه اشاره کند، از پاسخ صریح به سئوالات آذری قمی در زمینه روزنامه "رسالت" و نقش آن و "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" خودداری کرد و تنها به تأیید آذری قمی پرداخت.

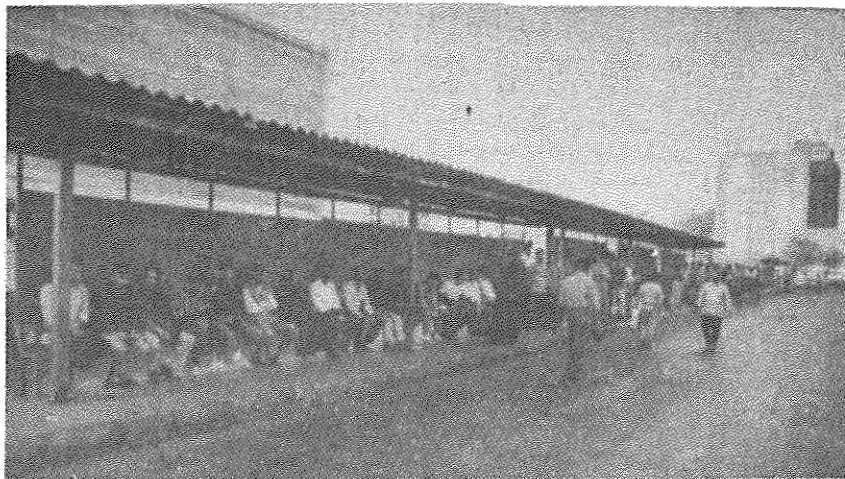
آذری قمی از اعضای مرکزی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از گردانندگان اصلی "رسالت" است. وی از جمله کسانی بود که با برپای "مراسم ۱۵ خرداد" توسط "روحانیون مبارز" جناح منشعب از "جامعه روحانیت مبارز" در محل حوزه علمیه قم مخالفت کرد و مانع فعالیت خویشی‌ها و کروی در محل حوزه شد. در متن نامه خمینی به آذری قمی آمده است: "با سلام و دعا، من همیشه به شما علاقمند بوده، هستم و هرگز هم در ذهنم نیست که خدای ناکرده جنابعالی کاری برخلاف اسلام بنمائید. شما از چهره‌های فاضل و مبارز و دل‌سوخته انقلاب می‌باشید... من در مورد روزنامه رسالت و جامعه محترم مدرسین حرفی نمی‌توانم بزنم، هرطور خود و جامعه صلاح دانستید عمل کنید. اگر در این زمینه‌ها حرفی زده‌ام و یا چیزی نوشته‌ام آنگونه که مصلحت

تشخیص داده‌ام عمل کرده‌ام... در مطبوعات به محتوی نامه آذری قمی و مسایل مورد اختلاف در حوزه علمیه که منجر به تقاضای میانجیگری خمینی گردید، اشاره‌ای نشده است. تنها روزنامه "رسالت" نامه آذری قمی را انتشار داده است. روز پنجشنبه ۱۴ مهر در جلسه هفتی مجلس کروی با اشاره به اقدام روزنامه رسالت، خواستار انتشار نامه‌های سابق خمینی در مورد "رسالت" و "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" شد.

۱۳۸ تن از فروشندگان ارز

در تهران دستگیر شدند

در هفته اول مهرماه ۱۳۸ تن در تهران به اتهام خرید و فروش غیر مجاز ارز و سکه طلا دستگیر شدند. فرمانده کمیته انقلاب اسلامی استان تهران اعلام داشت که دستگیر شدگان قبل از آغاز عملیات پاسداران، در خیابانهای فردوسی، منوچهری و پاساژ اسلامبول و کویتیه‌ها مشغول خرید و فروش ارز و سکه طلا که غیر مجاز است بودند. در جریان مرحله اول "طرح جمع‌آوری فروشندگان غیر مجاز سکه و ارز" و عواید صنفی به عنوان متخلف مهر و موم شدند و فعالیت آنان متوقف گردید. فرمانده کمیته‌ها، تأکید کرد که عملیات ادامه خواهد یافت و از تبدیل واحدهای صنفی به مراکز خرید و فروش ارز جلوگیری خواهد شد. وی افزود: به علت اینکه "هویت" منابع انتشار ارز و سکه روشن نیست، "مراجع انتظامی و قضایی قادر به پیگیری نیستند."



صف بی‌پایان مسافران در ایستگاه اتوبوس

احمد خمینی مفسر و ناشر انحصاری گفته‌های خمینی شده است

خمینی برای میراث‌خوارانش، مشکلات بسیاری را بر جانها داده است؛ مردمی سرشار از نفرت از حکومتی که وی بنیانگذار آن بوده است، حاکمیتی سرشار از کشاکش که همه اعضا آن به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند و... از میان همه آنها مجموعه بی‌پایانی از نوشته و گفته‌های ناسخ و منسوخ که می‌بایست رهنمونی برای پیاده کردن "اسلام ناب محمدی" در شرایط امروزی باشد و اکنون بالای جان فقها شده است. آن همه خزعبلاتی که از خمینی برجا مانده است، چنان پرتناض و انباشته از چنان یاوه‌هایی است که کار میراث‌خوارانش را برای استادان بدان بقیات دشوار می‌کند و بویژه هر یک از دستجات رقیب می‌توانند به سود خود و علیه طرف مقابل از میان آن مجموعه پرتناقض فتاوی و متنی را بیرون بکشند. حل این مشکل اکنون که خمینی با گور فاصله اندکی دارد برای میراث‌خوارانش امر مبرمی شده است و هر یک از آنها می‌کوشد حق تفسیر کلام "امام" و حق انتساب سیاست خود

به "خطامام" را از آن خود نماید. رقبا و مدعیان در این میانه اندک نیستند، ولیعهد امام منتظری، حوزه علمیه قم، شورای نگهبان و... اما بنحوی فافلگیرانه این رقابت را احمد خمینی برد که در سلسله مراتب روحانیت طلبه کم سواد است اما در هرم حکومتی در طی سالهای اخیر جایگاه محکمی به چنگ آورده است. خمینی در نامه‌ای به وی بر "صاحب نظر" بودنش در "مسائل سیاسی و اجتماعی" گواهی داد و حق گردآوری و نشر نوشته‌ها و گفته‌هایش و تفسیر آنها را در موارد اختلاف و شبهه به وی تفویض کرد. برای اینکه موقعیت فرزند آقا در بهره گیری از این حق در مصافحی آتی میراث‌خواران تقویت شود اجازه داد افشا شود که بسیاری از آن فتاوی و پیام‌هایی که بنام "امام" به مثابه منشا وحی به‌خورد مقلدین داده می‌شد، توسط همین احمد آقا فرزندایشان تقریر گردیده است. این حق و موقعیت تازه "احمد آقا" از طریق درج مکاتباتی میان

پسر و پدر در روزنامه‌ها اعلام گردید. بهانه این مکاتبه آن بوده است که گویا در برخی از آثار منتشره خمینی بی‌دقتی‌هایی دیده می‌شود که محتاج تصحیح است. اما حقیقت فراتر از آن است و اینست که خمینی آن زمان که "خوش خوش مستانش بود" بی‌محابا لفرپراکنی می‌کرد و اکنون همه آنها در کنار یکدیگر آش همه جوشی شده است که کار دست میراث‌خواران می‌دهد و با آن برای هیچ سیاستی مستند فقهی و شرعی نمی‌توان سرهم کرد. علاوه بر این پیشبرد سیاست جاری را نیز دشوار می‌سازد و وسیله ریشخند بنیانگذار جمهوری اسلامی توسط مردم را فراهم می‌آورد. مثلاً آن همه توپ و تشری که در مورد جنگ اسلام و کفر زده است اکنون وسیله‌ای برای تمسخر وی شده است و بتدریج می‌بایست حذف گردد تا به فراموشی سپرده شود. بخشی از وظیفه تازه احمد خمینی تعیین آن بخش‌هایی از فتاوی و اراجیف پدر است که باید به خاطر مصالح کل نظام زودده شود.

علاوه بر این هم اکنون در تعیین و ترسیم خطوط آتی سیاست عمومی رژیم جمهوری اسلامی کشاکش‌های شدیدی میان سردمداران رژیم جریان دارد. هر یک از آنان می‌تواند به این یا آن بخش نوشته و گفته‌های از خمینی استناد کند. در رژیم فقها، پس از خمینی نیز نشان دادن انطباق کارکرد رژیم با "اسلام ناب محمدی" خمینی اهمیت کمی ندارد. جناحی و جریانی که حق تضوات پیرامون این مهم را برهمه داشته باشد، در موقعیت مناسب‌تری در مواجهه با رقبا قرار می‌گیرد. اکنون احمد خمینی با کسب این حق مهره ارزشمندی در میان مجموعه حکومتگران می‌شود و جناحی که وی متعلق به آن است دارای آن توان می‌شود که هر زمان خرجینی از کلمات و فتاوی آقا ردیف کند و رقبا را دچار مخمصه نماید. احاله این حق تازه به حجت الاسلام احمد خمینی این طلبه کم سواد در سیستم فقها، کوششی برای نامین سهم ثابت و پایدار برای وی در رژیم فقهاست.

از رویدادهای ایران

قرار داد ۵ / ۱ میلیارد دلاری ایران و برزیل

بر اساس پروتکلی که در اجلاس مشترک اقتصادی ایران و برزیل در ریودوژانیرو به تصویب رسید، جمهوری اسلامی برخی از واحدهای صنعتی وابسته به وزارت صنایع و صنایع سنگین را بر اساس "قرارداد بی‌بک" در اختیار برزیل قرار می‌دهد تا سرمایه‌داران برزیلی - آمریکایی بتوانند با استفاده از صنایع نیروی کار ایرانی محصولات مورد نیاز را در ایران تولید کنند.

اجلاس مشترک اقتصادی ایران و برزیل دو هفته پیش در ریودوژانیرو و با حضور شافعی وزیر صنایع جمهوری اسلامی و پائولوتار سو قائم مقام وزیر امور خارجه و تجارت برزیل تشکیل شد. در این اجلاس مسایل مربوطه ۱۰ وزارتخانه در کمیته صنعت و تجارت توسط طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان اجلاس مقرر شد که حجم مبادلات دو کشور تا میزان یک و نیم میلیارد دلار افزایش یابد. در چارچوب قرارداد، برزیل با افزایش خرید نفت از ایران موافقت کرد و قرار شد روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت به برزیل صادر شود. در این قرارداد ایجاد ۷ کارخانه تولید شکر از نیشکر در

خوزستان با ظرفیت هر یک ۱۱۰ هزار تن، یک کارخانه تصفیه شکر با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن در سال، ۷ واحد تولید خمیر کاغذ، یک واحد ۲۰۰ هزار تنی تولید کاغذ تحریر و روزنامه، یک واحد ۲۰۰ هزار تنی تخته چنندلا، یک واحد ۲۰ هزار تنی تولید پروتئین دامی با همکاری برزیل تصویب شد.

بنا به اظهارات شافعی وزیر صنایع، در اجلاس ریودوژانیرو "جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد در صورتی که برزیل تمایل به ایجاد صنایعی در یک کشور ثالث در منطقه راداشته باشد با استفاده از ظرفیت‌های خالی کارخانجات بخشی از ماشین آلات مورد نیاز این صنایع در ایران ساخته شود." همچنین جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد: "با استفاده از ظرفیت‌های خالی کارخانجاتی نظیر داروسازی و پودر لباسشویی در ایران، محصولات این کارخانجات به برزیل و سایر کشورهای ثالث دیگر صادر شود."

از میان دیگر رویدادها

کلیات لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی هفته گذشته در جلسه هفتگی مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تصویب مفاد آن به هفته جاری موکول شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، این لایحه در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تصویب شده است.

از سوی فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، حجت الاسلام محسن رهامی به سمت معاونت روابط عمومی و امور مجلس وزارت فرهنگ و آموزش عالی منصوب شد. وی در مجلس از لویح و طرح‌های مربوطه فرهنگ و آموزش عالی دفاع خواهد کرد.

در آغاز سال تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان بدون کتاب به سر کلاس رفتند و تا دو هفته پیش از ۳۰ عنوان کتاب آنان ناقص بود و بنا به نوشته مطبوعات دولتی به نقل از مسئولین وزارت آموزش و پرورش، تا نیمه آنان کتابهای درسی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان تکمیل نخواهد شد.

برنامه ۱۰ سال آینده صنعت نفت کشور اعلام شد. در جزوه‌ای که به همین منظور از سوی وزارت نفت انتشار یافته، فعالیت سه بخش عمده نفت، صنایع پتروشیمی و صنعت گاز با جزئیات تشریح شده است. افزایش تولید نفت خام از ۳٫۱ به ۳٫۶ میلیون بشکه در روز، احداث و بهره‌برداری از پالایشگاه بندرعباس، پالایشگاه اراک، بازسازی پالایشگاه آبادان، حفاری دریایی در خلیج فارس و دریای خزر، طرح مجتمع پتروشیمی اراک و مجتمع ایران و ژاپن، طرح پتروشیمی تبریز و... به عنوان محور برنامه ۱۰ ساله صنعت نفت اعلام شده است. هزینه پیش‌بینی شده برای اجرای طرح‌ها ۴۵۰ میلیون دلار است. در این برنامه به خط لوله انتقال نفت خام ایران به ترکیه اشاره‌ای نشده است.

شهادت دوفدائی کرد

بقیه از صفحه اول

رفیق عارف خلیفه زاده

پیشگام قهرمان

هاوری خدر (رفیق عارف خلیفه زاده) در سنین نوجوانی در دفتر هواداران سازمان در سقز در جمع رفقای پیشگام دانش آموزی به انجام وظایف

انقلابی پرداخت. او که در جریان سال ۵۷ به همراه دانش آموزان سقز نبرد علیه رژیم ستمشاهی را آزوده بود، بعد از انقلاب سرشار از انرژی فعالیت انقلابی را دوچندان کرد. مردم کردستان هنوز طراوت شبینم کوهساران را در اولین بهار آزادی بخود ندیده بودند، که هواپیماها در آسمان ظاهر شدند، و خیل آدم گشمان تحت عنوان ارتشی و پاسدار به شهرها و روستاها سرازیر شدند، بعد از سندنج، سقز، شب و روز گلوله باران شد، آنهنگام که هواپیماها برای یافتن پیشمرگان، رسامها را پرتاب می کردند و تانکها به دروازه شهر رسیده بودند، پیشگامان از جمله هاوری خدر بدنبال پیشمرگان آذوقه حمل میگردند، با تسخیر دوباره شهرها توسط پیشمرگان، رفیق عارف دوباره در دفتر پیشگام در سقز فعالیت انقلابی خود را پی می گرفت. جنگ بار دیگر در بهار ۵۹ باعث آواره شدن عمومی مردم سقز شد، پیشگامان این بار در اردوگاه آوارگان در شهر بوکان به جنب و جوش پرداختند، هاوری خدر به دنبال کار، همه جا

استقرار دوباره رژیم در شهرهای کردستان تجربه دیگری برای رفیق بود او که در کوران نبرد مرگ و زندگی در میان فدائیان و خانواده زحمتکش فداکاری را آموخته بود، آزوده تر شده، دوران کار مخفی هلنی را آغاز کرد که با توجه به شرایط و مواضع سازمان کاری بس مشکل بود. بعدها گسترش سرکوب علیه سازمانهای چپ در سال ۶۲ وضعیت بس پیچیده تری پدید آورد. برای بسیاری از رفقایمان، تنها راه ممکن خروج از شهرها بود، رفیق عارف در کوه استعدادهای ویژه خود را به نمایش گذاشت او در همین انجام وظایف محوله در مقرر مدام می خواند و می آموخت. لحظه ای را از دست

طرف دیگر در معرض فشار آزار و حتی زندان و ترور از جانب دیگر نیروها قرار گرفتند کار رفیق عمر در این شرایط از ارزش والایی برخوردار بود.

شهریور سال ۶۲ در یکی از مقرهای سازمان در کوه سراقش را گرفتم، رفته آذوقه بیاورد، به انتظار نشستم. از دور پیدایش می شود، باری را که شاید کمتر از وزن خودش نباشد کیلومترها با پای پیاده با خود آورده است. در آغوشم جای میگیرد و بوسه بارانش میکنم. تمام بدنش خیس هرق شده، او که حالا دیگر در مرز چهل سالگی قرار گرفته همچنان با روحیه و سرزنده است. چهره اش تکیده تر و پیرتر به نظر میرسد، جثه اش لاغرتر و نحیف تر گشته و موهاش به سفیدی گرائیده اما عشق و پایداری اش دوچندان شده است. اولین سئوالاتش در مورد مردم و رفقایاش است. آهی از درون می کشد، حال برایم دلایل پیری را در سش بیان میشود.

اینجا هم کمتر می توانستی او را در حالت آرامش بیابی. برای هر کار سختی داوطلب بود. گاهی روزها و هفته ها فیثس می زد و موفق از ماموریت برمی گشت در مقرر مشغول کار ساختمانی، خشت بری، سنگ کنی، چوب بری بود و یا مشغول آشپزی و نانواپی، همیشه می گفت اگر یک روز برگردم یک نانواپی باز خواهم کرد، برآستی در این کار هم استاد شده بود. نان مام هلنی عالی ترین نان مقرر بود. مام هلنی در آن شرایط سخت کوه که حتی گاهی نان خشک هم پیدا نمی شد منبع انرژی همه رفقا بود.

مام هلنی در زمستانهای سخت کردستان در آن سرما و کولاک و یخبندان که ۶ ماه سال را در برمی گیرد سالها در محرومیت کامل پایداری نمود، هشق مردم، هشق به رهایی و هشق به انقلاب، هشق به سازمان هر سختی را در برابرش آسان می نمود، او که به تناوب معلم، دانشجو، دبیر، کارگر و پیشمرگ بود، خوب میدانست و الاثرین گوهر، ارزش انسانی است و ما با از دست دادن او یکی از باارزشترین گوهرهایمان را از دست دادیم.

گیرش می آوریم. در گوشه ای بجهای را بقل کرده اشک هایش را پاک کرده با او بازی می کند، مادر بچه از نداشتن آب و نبود امکانات میگوید. مام هلنی از جا کنده شده، با یک سطل آب و چند پتو برمی گردد. مادر بچه پتوها را گرفته می گوید: بڑی کاکه (زنده باشی برادر). چهره خسته و تکیده چند شب پیش اینک فرق در شادی می شود. این انسان آرزومند، این هاشق دلسوخته مردم، از شادی مردم لذت و انرژی می برد و از رنج آنهادر می کشد.

خصائل برجسته انسانی با وجود و زندگی اش عجین شده بود. غروب یکی از روزهای خرداد ۵۹ آرام در اطاق را باز می کند و شعر همیشگی اش را می خواند:

سه لاموه هلیکم همه
میوانی توم نم ژمه

روح ساده و صمیمی اش بر هر انسانی تاثیر می گذارد. می پرسد: امشب چکار می کنی؟ جواب میدهم دو ماهی هست منزل نرفته ام می خواهم امشب سری به بچه ها بزنم. در میان راه، از شهرش، مردم و از آرزوهای آنها می گفت، او که خود در محرومیت بزرگ شده بود، برای رهایی مردم از دست دادن هر فرصتی را ناشایست میدانست، از همه چیز غیر از خودش صحبت می کرد. کار، تلاش، مبارزه شعاری بود که در زندگی اش جاری شده بود.

آروزها گذشت مردم به شهرشان بازگشتند، بوکان همچنان در دست پیشمرگها باقی ماند، مام هلنی در فقیرترین محله شهر اطاقی اجاره کرد و خیلی زود دوست همین مردم محله شد، مردم فرقی بین خود او و احساس نمی کردند او که تجربه سالها کار و مبارزه در میان مردم را با خود داشت توانسته بود فاصله ها را از بین ببرد. رفیق هم یکی از موفق ترین کادریهای سازمان در هر صه کار توده ای بود. در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۲ به علت خط مشی سازمان فعالیت در میان مردم کرد مشکل بود. رفقای ما از یک طرف بخاطر مبارزه مسلحانه با رژیم تا سال ۵۹ در زیر تیغ جمهوری اسلامی قرار داشتند و از

هواپیماها راکت بارانها از کشته ها پشته ساخته است، نبرد سخت پیشمرگان و نیروهای نظامی آخرین ساعت خود را می گذراند، اولین تانک به روی پل شهر می رسد، ارتش و سپاه و بسیج دیوانه وار وارد شهر شده به هر جنبه های شلیک می کنند. مغز (دسته) ما که هفتها یکی از سنگرهای اصلی شهر بود، اکنون روی تپه ای در محاصره قرار گرفته است، همه درازکش شده اند، از کنار گوش و بالای سرمان گلوله های ژ. ۳ صغیر کشان می گذرند، تنها راه عقب نشینی به سمت بوکان است. در مسیر سقز-بوکان دسته دسته مردم پیاده و سواره در حال حرکت هستند، هواپیماها اطراف جاده ها را می کوبند، غم و رنجی بس عظیم همه را در برگرفته است، در این میان افراد خسته و تکیده ای را می بینی که خود را فراموش کرده در صدد کمک به مردم هستند، یکی از اینان که چند شب در حالت بی خوابی و بی غذایی در نبرد با پاسداران تباهی بود، مام هلنی (ممو هلنی) است.

بهار سال ۵۹ سقز پس از روزهای متعادی مقاومت به چنگ رژیم می افتد، چندین هزار نفر مجبور به اقامت در شهر بوکان می شوند، مام هلنی با همکاری دیگر رفقا برای تامین زندگی و آسایش مردم تلاش فوق العاده ای می کند، او را در همه جا می بینی اردوگاه، اشکان، شهرداری، ستاد سازمان، دفتر پیشگام و هر جا که مردم اسکان یافته اند، دفتر پیشگام بوکان که اینک محل دفتر پیشگام سقز نیز می باشد، پر جنب و جوش تر از همیشه است، اسم مام هلنی مرتب شنیده می شود، همه بدنبالش هستند، درهای اطاق های پیشگام مرتب باز و بسته می شود. یکی می پرسد مام هلنی کجاست؟ رفته اردوگاه آن یکی جواب می دهد: نخیر رفته دفتر اسکان. دیگری که تازه از راه رسیده می گوید رفت به طرف ستاد سازمان. تلفن زنگ می زند سراق مام هلنی را می گیریم، می گویند الان رفت شهرداری و بالاخره در استادیوم

ضرورت همبستگی با خلق کرد در عراق

در اردوگاههای پناهمجویان کرد عراقی در ترکیه، هر شب دست کم ده نفر از سرما می میرند. همه گرسنه اند، از امکانات درمانی و بهداشتی محرومند و اکثر اشباعی سرد منطقه کوهستانی جنوب کردستان ترکیه را بدون پتو و زیر انداز به صبح می رسانند. شبها و روزهای سردتری در پیش است، بی آنکه به آنها نمکی رسانده شود. کمک رسانی ها تاکنون مصرف تبلیغاتی داشته و اکنون به میزان زیادی از حجم کمکهای تخصیص داده شده، کاسته شده است.

در اردوگاههای آوارگان کرد عراقی در ایران نیز وضعیت به همین گونه است. حدود ۳۰۰۰۰ کردی که در ایران پناه گرفته اند واکثرا در اطراف شهر ارومیه اسکان داده شده اند، در شرایطی مشابه با وضعیت ۱۰۰ هزار آواره کرد در ترکیه به سر می برند. جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد که از این پس جلوی ورود پناهمجویان کرد به ایران را خواهد گرفت و این در حالی است که دولت ترکیه نیز چنین رویه ای را پیش گرفته و علاوه بر آن آوارگان تازه را به سمت مرزهای ایران می راند. هم اکنون همه

کشوری از آوارگان نه می توانند به داخل ایران و نه به داخل ترکیه راه یابند و این در حالی است که رژیم عراق در تعقیب آنان است و با شدت مشی جنایتکارانه سرکوب تمام هیارر اپیش می برد.

رژیم های حاکم بر ایران، عراق و ترکیه در کینه ورزی نسبت به خلق کرد وحدت نظر کامل دارند. هر سه در قلمرو حکومتی خود نسبت به خلق کرد یکسان عمل می کنند. و هر سه بدان امید بسته اند که پس از پایان گرفتن جنگ ایران و عراق، به "مساله کردستان" از طریق تشدید سرکوب و همکاری های دو جانبه و سه جانبه - امروز به صورت ضمنی و فردا به صورت رسمی - "به طور قطعی" پایان دهند. خلق کرد در هر سه کشور ایران، عراق و ترکیه، رکن اساسی جنبش بوده و کردستان همواره حکم یک سنگر مقدم مبارزه و یک پایگاه همده حمایتی از جنبش سرتاسری در سه کشور را داشته است. رژیمهای سه کشور با سرکوب خلق کرد می خواهند جنبش را از یک نیروی همده و از یک پایگاه حمایتی پر اهمیت محروم سازند.

آغاز کرده بود، به علت پی گرد نتوانست ادامه تحصیل بدهد. آرزوی تحصیل در یکی از دانشگاهها بود، رفیق در سال ۶۵ یک بار به کردستان برگشت اما هدم امکانات بار دیگر او را به کوه بازگرداند، سرانجام بعد از ۵ سال محرومیت مطلق به همراه هدهای دیگر بوسیله راکت در خون قتلید او آخرین بازمانده و دومین شهید فدایی خانواده اش بود، هاوری خدر (رفیق هارف خلیفه زاده) نه فقط محبوب رفقایش در سقز و بوکان بلکه محبوب همه رفقا و دوستانش و آنان که او را می شناختند بود، او نگینی بود در میان پیشگامان کردستان. یاد و خاطره این پیشگام فدایی تا بد در جان ها باقی خواهد ماند.

دهرزی ژاژن بوودلم له سووی شهیدانی نهر به سنیه، مهودام بدون توزکالی ته سکتیم دهوی

جنبش خلق کرد در عراق از یک سابقه تاریخی طولانی برخوردار بوده و از نظر سنن و تجربیات مبارزاتی بسیار فنی است. استمرار این بخش از جنبش خلق کرد، بدان یک نقش کانونی بخشیده و از این جهت همواره به مثابه یک پایگاه در حمایت از مبارزه خلق کرد بویژه در ایران عمل کرده است. آیا ادای دین ایجاب نمی کند که حسابگری های سیاسی کنار گذاشته شده و پرده سکوت در مورد جنایاتی که از سوی رژیم بغداد علیه خلق کرد در عراق روا می شود، دریده گردد؟

البته مساله را صرفا نباید از زاویه "ادای دین" دید. موضوع این است: در بقل گوش ما حمام خون به راه انداخته اند، چند هزار روستا را ویران و دهها هزار تن را آواره کرده اند. آیا جایز است که در مورد این جنایات سکوت شو؟ همبستگی بین خلقها و جنبشها اگر در اینجا تجلی بارزی نیابد پس قرار است کجا نمود یابد و به اثبات برسد؟ فقط در مجادلات قلمی؟ همه سازمانهای سیاسی اپوزیسیون در ایران برای جلب حمایت بین المللی از مبارزات مردم ایران و افشا و محکومیت رژیم خمینی در انظار جهانیان وسیعا تلاش می کنند. همه می گوئیم نظر جهانیان را به سوی آنچه که در ایران می گذرد، جلب کنیم و مردم ایران را در مصاف با رژیم خمینی از یک حمایت بین المللی برخوردار سازیم. اما آیا درست است که از دیگران "توقع حمایت داشته باشیم و از خود متوقع نباشیم که به نوبه خود به حمایت از "دیگران" برخیزیم؟ آیا وقتی پای محاسبات پیش می آید، به سادگی می توان "اصول" را به دست فراموشی سپرد؟

در حمایت از خلق کرد در عراق در شرایط تلخ کنونی، سازمانهای ایرانی امتحان بدی پس دادند. اکثرا سکوت کردند که گویا اتفاقی نیفتاده است و لابد برای سکوتشان توضیحات "تاکتیکی" مختلفی دارند.

اگر برای هدهای این سکوت "تاکتیک" است، نحوه برخورد

رهبری مجاهدین خلق با جنایاتی که جلوی چشمشان جریان دارد، حاکی از سیاستی عمومی و ریشه دار است. رهبری مجاهدین طبیعی بود که چشم خود را بر جنایات صدام حسین ببندد، ولی گویا "سکوت" کافی نبود و لازم دانست نشان دهد در مصافی که در کردستان جاری است، در کدام سمت ایستاده است. دو خبری که در صفحه ۳۹ شماره ۱۴۷ نشریه مجاهدین در رابطه با "اکراد عراق" درج شده، به خوبی نشان می دهد که رهبری مجاهدین چنان علیه خلق کرد موضع می گیرد و می گوید انزجار جهانی از جنایات رژیم صدام حسین در کردستان را به دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی منسوب کند. در نشریه مذکور این دو تیتراژ جلب توجه می کنند:

"سپاسگزاری جلال طالبانی از ریگان" و "براز همبستگی اسحاق شمیر با اکراد عراق". رهبری مجاهدین باین دو تیتراژ سکوت خود را در مورد نجایات جاری در کردستان عراق شکست، آنهم در جهت تخطئه انزجار جهانی نسبت به جنایات صدام، رهبری مجاهدین که خود تلاش فراوانی برای جلب حمایت دولتهای غربی به خرج داده و می دهد، دست کم بهتر بود برای تخطئه جنبش خلق کرد، به این منطلق توسل نمی جست. این نحوه برخورد علاوه بر این که نشان دهنده موقعیت فم انگیز رهبری مجاهدین در بغداد است، در درجه اول از سیاست عمومی رهبری مجاهدین در قبال خلق کرد، نشأت می گیرد. رهبری مجاهدین حتی اگر هم می خواست مصلحت اندیشانه باین تفضیه مواجه شود، می بایست دریابد که تضعیف جنبش ملی در کردستان عراق به سود هیچ یک از سازمانهای اپوزیسیون در ایران نیست.

اگر نحوه برخورد رهبری مجاهدین با جنایاتی که در کردستان عراق جریان دارد، در چارچوب سیاست عمومی آنان قابل فهم است، سکوت دیگران در این زمینه فیر قابل توجیه است و جای سوال و تعجب دارد. و نه فقط تعجب که تاسف، تاسف که چگونه محاسبات تاکتیکی منجر به فراموشی اصولی می شود که آنقدر بدیهی اند که پیش از این که باری ایدئولوژیک داشته باشند، اموری وجدانی اند. به راستی که باید متاسف بود.

حکومت ماند و کوهی از مشکلاتش: اقتصادی و رشکسته، صفوف متشتت و متشنج حزب الله و مردمی که برای حکومت و گزرمه‌هایش، بقول معروف دیگر "تردهم خورد نمی‌کنند"

آتش‌بس، از یک سو سطح انتظارات مردم را بالا برد و از سوی دیگر، امید به آینده و تا حدی، شادابی زندگی را باز گرداند. در میان همه اقتضای اجتماعی، شادمانی از صلح در پیش‌رو، و امید به آینده پس از آن، همومیت دارد. شادمانی از آتش‌بس، همگانی است. اما امیدها و انتظارات برای آینده، متفاوت است.

زحمتکشان، که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، چه می‌خواهند؟ آنها می‌خواهند که قبل از هر چیز، کار ایجاد شود؛ جوانی که به سن بلوغ پامی‌گذارد،

خود را در برابر آینده‌ای تیره و تار که در آن مجبور است به سیگار فروشی کنار خیابان رو آورد، نبیند؛ کار شرافتمندانه و مولد، ارزش خود را در جامعه باز یابد؛ مواد غذایی و اجناس ضروری، به میزان کافی، بدون جیره بندی و با حذف بازار سیاه، عرضه شود؛ وضع ناسامان بهداشت و درمان در محلات فقیرنشین بهبود یابد؛ تحصیل و مدرسه رونق پیدا کند و... از نظر مردم پایان جنگ این خواستها باید برآورده شود و در همدام اجرائی آنها هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست. آمیدی که مردم از این بابت به آینده دارند، در صورت ناکام ماندن، می‌تواند به خشم تعرض‌کننده‌ای تبدیل شود.

روشنفکران مردمی، معلمان، متخصصان میهن پرست و آزادیخواه، انتظار دارند به‌کار و زحمت آنها ارج واقعی نهاده شود. اکثریت آنها، حاضرند در خدمت بهبود شرایط زندگی مردم قرار گیرند. خواسته‌های زحمتکشان، خواسته‌های آنها نیز هست.

اما اقلیتی که از ۸ سال جنگ، بیشترین سود را برد، امید و انتظارش این است که "بازسازی"، همان شرایط جنگی منهای جنگ باشد. بسیاری از سرمایه‌داران، از هم اکنون کیسه‌ها را برای دوره جدید چپالوگری می‌دوزند. خیلی‌ها خود را با شرایط جدید وفق می‌دهند و برای هم کاسه شدن با شرکای خارجی، آماده می‌شوند. اینها، تحولات و صف بندی‌های درون هیات حاکمه را به دقت دنبال

روزهای جنگ بصورت مستقیم و بالفعل وارد هر صه معادلات نشد. در بین طرفداران رژیم، خبر نوشیدن جام زهر خمینی، بسیاری "حرمت‌ها" را شکست. حزب اللهی‌ها که تا آن روز یک چیزی هم از مردم طلبکار بودند، در روزهای نخست پس از اعلام پذیرش قطعنامه، در برابر ریشخندها، کنایه‌ها و سرزنش‌های مردم چاره‌ای نداشتند جز آنکه سر خود را پایین بیندازند، اما در عوض به جان هم افتادند. خیلی از آنها وقتی نمی‌دیدند رفسنجانی مسئول اصلی تحول جدید است،

مردم و آتش‌بس

سپهسالار خمینی را که تا آن روز، "یار امام" بود، تکفیر کردند. خبری حاکی است که در یک مرکز نظامی در اصفهان، یک حزب اللهی دو آتشه در آن روزها هکس رفسنجانی را به زیر کشید و زیر پای خود پاره کرد. بازار افشاگریمای متقابل حکومتی علیه هم داغ شد. شایعات مربوط هم به همین نسبت قوت گرفت. یک روز شایع می‌شد سپاه منحل خواهد شد، روز دیگر شایع دعوت از عزت الله سبحانی برای نخست وزیری انتشار می‌یافت...

عملیات مجاهدین در غرب کشور برای حزب الله نجات بخش بود و آنها را بطور موقت متحد کرد. حزب الله که پیش از این بناگزیر به شدت در لاک دفاعی فرو رفته بود دوباره در موقعیت تعرض گستاخانه قرار گرفت. "قوای اسلام" که از پس صدام بر نیامده و شکست سختی خورده بودند، برای کشتار مجاهدین بسیج شدند. سرفاکنده‌گی حزب اللهی‌ها جای خود را به فالانژ بازی و هر برده کشی داد. در روزهای عملیات و روزهای پس از آن، کنترل شهرها و جاده‌ها به شدت افزایش یافت. مردم با نفرت با تالانگری‌های حکومت برخورد می‌کردند. بویژه شکست متضاحانه در برابر ارتش عراق و سپس حمله وحشیانه با نیرویی ده‌ها برابر نیروی مجاهدین برای سرکوب آنها، از نظر مردم اقدامی نفرت‌انگیز بود.

برای رژیم، تاثیر "نجات بخش" و قایع غرب کشور، دیری نپایید. پس از عملیات "مرصاد" و میاهوی مربوط به آن،

برای نمونه، بازار تغییر اوضاع را در تمام ابعاد آن دریافت. در عرض چند ساعت و گاه چند دقیقه، قیمت ارز، طلا، اجناس وارداتی، اتومبیل، لوازم برقی و نیز به میزبان محدودی، برخی مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز روزمره مردم، پایین آمد. شدیدترین کاهش، مربوط به ارز و طلا بود. خیابانهای فردوسی، منوچهری و اسلامبول تهران در آن روزها تماشایی بود. جای سوزن انداختن نبود. فروشندگان ارز و طلا، با خریداران سر قیمت توافق می‌کردند، اما تا دو طرف

می‌رفتند ارز و طلای مورد معامله و پول را بیاورند، قیمت بازمهم پایین تر آمده بود. در آن روزها، قیمت ارز تا یک سوم هم پایین آمد.

معروف است که این تشبیر و تحولات اقتصادی، موارد سکنه را در بازار افزایش داد. اما اشتباه است اگر تصور شود ضرر و زیان تنها متوجه سرمایه‌داران بزرگ بازار بود. در آن روزها، خیلی از مردم عادی هم لطمه‌بزرگی خوردند. در شرایطی که حقوق و دستمزدها، کفایت نصف مخارج راهم نمی‌دهد، طبیعی است که بسیاری از مردم، کارمندان، جوانان بیکار و حتی کارگران، به خرید و فروش روی بیاورند تا بتوانند امرار معاش کنند. بودند کارمندان و کارگرانی که آخرین پس‌انداز خود را صرف خرید مقدار ناچیزی طلا می‌کردند. روزهای آخر تیرماه، برای این همه هم روزهای خوبی نبود. البته بعید است که یک کارگری یا کارمندی از این بابت سخته کرده باشد!

مجموعه شرایط روزهای نخست، ناباوری و سپس تردیدی که به جایش نشست، شرایطی نبود که روحیه تعرضی مردم را ایجاد کند. تحول، از "بالا" صورت گرفته بود، و واکنش "پایین" در برابر آن هم بیشتر تاثیر پذیری بود با تاثیر گذاری. البته بدیهی است که سالها مبارزه منفی مردم با جنگ، فیت مضمولان و فرار سربازان، عدم پشتیبانی مالی کافی از ماشین جنگی و... یکی از مهم‌ترین عوامل شکست رژیم بود. اما این عامل، در آخرین

از صحنه آخر شاید بتوان گفت همه‌ترین و همومی‌ترین احساس در میان همه مردم با شنیدن خبر پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ توسط حکومت آخوندها، ناباوری بود. بجز جمعی از برگزیدگان دربار خلافت، همه با انتشار خبر بهت زده شدند. شاید به جز مقامات

حکومتی، در این میان یک استثنای دیگر را کسانی تشکیل دهند که چه به علت موقعیت شغلی یا فعالیت اقتصادی خاص خود، و چه به دلیل دنبال کردن دقیق روندهای سیاسی، چه در درون رژیم، چه به لحاظ بین‌المللی و در ارتباط با جنگ، "بوی صلح" را استشمام کرده بودند. اما اگر این شمار معدود را کنار بگذاریم، ناباوری، احساس و روحیه‌ای فراگیر بود. در میان حزب اللهی‌ها، این ناباوری صورت مضحکی به خود گرفته بود. مثلا اگر یک حزب اللهی از یک فرد حزب اللهی خبر را برای نخستین بار می‌شنید، به او پر خاش می‌کرد که "شایعات ضد انقلاب" را می‌پراکند. برای آن

فلک زده‌هایی که خزیمات رژیم در مورد فتح کربلا راپور کرده بودند، گاه لازم شد که چندین بار خبر را از رادیوی خود رژیم بشنوند تا آن را باور کنند. برای مردم هم، باور کردن خبر دشوار بود. مگر نه اینکه با انتصاب رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا، همه انتظار داشتند حداقل یک حمله جنون آمیز دیگر صورت گیرد؟ و مگر نه اینکه سربازگیری شدت گرفته بود و هر روز خبر اعزام گروهی دیگر را به جبهه‌ها اعلام می‌کردند؟

ناباوری اولیه پس از مدتی در میان مردم جای خود را به شک و تردید داد: "نه، این بی شرفها دروغ می‌گویند. تاکتیک می‌زنند تا نفس تازه کنند." "خمینی از جنگ دست بردار نیست" و... حق هم داشتند. هیچ چیز عوض نشده بود. جنگ با شدت سابق و حتی شدیدتر ادامه داشت. سربازگیری ادامه داشت. هنوز وحشت موشک باران از تن و جان مردم رخت برنسته بود. هنوز دستور العمل‌های مربوط به حملات شیمیایی و رفتار پس از آن، بر در و دیوار بود و از رادیو تلویزیون خوانده می‌شد. و هنوز، رژیم جنایتکار عراق به حملات خود ادامه می‌داد.

اما شک و تردید، به اندازه ناباوری اولیه همومیت نداشت.

می‌کنند تا بتوانند به موقع، راه کسب بیشترین سود را دریابند. این روزها در بازار تهران، بساط بحث سیاسی برقرار است. کوچکترین این سو و آن سو شدن آرایش نیروها در رژیم، کوچکترین تغییر کابینه، زیر ذره بین سرمایه‌داران قرار می‌گیرد. سخنرانی‌های مجلس را از موج اف‌ام به دقت گوش می‌کنند. هنوز یک ساعت به توزیع روزنامه مانده، شاگردان خود را به صف خرید روزنامه می‌فرستند. به نظر می‌رسد که همه، انتظار یک تحول مهم، یک تعیین تکلیف رادرمه‌های آینده دارند.

مذاکرات صلح، از سوی اکثریت مردم با دقت دنبال می‌شود. گرایش غالب در مردم این است که باید "گند قضیه هر چه زودتر کنده شود". تبلیغات ناسیونالیستی که در پوشش جملاتی از قبیل "نباید گذاشت در مذاکرات خیانت شود" و "نباید کوتاه آمد" ادا می‌شود طرفدار چندانی ندارد. برای مردمی که طعم ۸ سال جنگ را چشیده‌اند، برای مردمی که در این ۸ سال از بسیاری چیزها محروم شده‌اند، تداوم حالت نه جنگ و نه صلح کنونی به بهانه شعارهای ملی یا مذهبی قابل پذیرش نیست.

شکست رژیم در جنگ، حکومت را به موضع تدافعی عقب رانده است. در میان مردم اینک بیش از گذشته این سؤالها مطرح است: "خون‌بازی تا کی؟" "اینجا که این همه جوان را به کشتن دادند، مگر لیاقت حکومت کردن دارند؟" "رژیم، این موقعیت را درک کرده‌است و می‌کوشد با کمترین عقب نشینی، با محدود کردن "اصلاحات" به مواردی مانند سخت‌گیری کمتر در مورد حجاب و موضوعات مشابه، حذف تحقیق محلی از کنکور، برگرداندن تعدادی از دانشجویان اخراجی، و... هم وانمود کند که اوضاع تغییر کرده‌است، و هم به اصلاحات واقعی تن ندهد. در عرصه اقتصادی، هنوز با توجه به درگیری‌های داخل خود رژیم، معلوم نیست که عقب نشینی‌ها و تغییرات، به چه میزان و در چه عرصه‌هایی خواهد بود. نفس انجام اصلاحاتی، هر چند محدود، دیگر برای همه، همانقدر بدیهی است که آمدن روز از پس شب. حالت انتظار، در همه‌جا دیده می‌شود....

شیلی: مبارزه با پینوشه ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

شود، حفظ می‌کند. از این گذشته، دیکتاتور این حق را برای خود محفوظ گذاشته است که یک سوم سناتورها را منصوب کند. این امر تغییر قانون اساسی را تقریباً غیر ممکن می‌کند.

باتوجه به این موقعیت پیچیده، در برابر طیف گسترده اپوزیسیون بیش از گذشته این وظیفه قرار دارد که اقدامات خود را هماهنگ و هلیرفم اختلافات بزرگ، مشترک عمل کند. حزب کمونیست، اتحادچپ و مرکز سندیکای "س.ا.و.ت" (رهبری متحدزحمتگشان) خواهان بسیج همه نیروها برای وادار کردن دیکتاتور به کناره‌گیری و تحقق انتخابات آزاد شده‌اند.

آنچه مورد توافق همه است، این است که پینوشه بزرگترین مانع برقراری شرایط دمکراتیک در شیلی است. اما هنوز درباره راه‌های برطرف کردن این مانع، اختلافات و بحث‌هایی وجود دارد. گفتگوها میان جریان‌های متعدد اپوزیسیون آغاز شده است. با احزابی نیز که تا ۱۵ اکتبر از پینوشه حمایت می‌کردند و پس از پیروزی "نه" آماده سازش شدند، تماس‌هایی وجود دارد.

آنچه کل این روند را بادشواری مواجه می‌کند، این است که چند حزب اپوزیسیون، از جمله حزب کمونیست شیلی، ممنوعند. این ممنوعیت، کارکردن این احزاب را مشکل می‌کند. پینوشه هلیرفم

در همین حال، ناظران و سیاستمداران در سانتیاگو پایتخت شیلی تاکید می‌کنند که قدرت رژیم در هم شکسته است. حمله وحشیانه پلیس به تظاهرکنندگان و روزنامه‌نگاران، به روشنی نشان می‌دهد که هنوز کیست که بر شیلی حاکم است. دیکتاتور، با قاطعیت خواسته بزرگترین ائتلاف اپوزیسیون مبنی بر اینکه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش در مارس ۱۹۹۰، کناره‌گیری و هرچه زودتر راه انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان را هموار کند، رد کرده است.

پیش از رای‌گیری، پینوشه همه تلاش خود را به کار برده‌است تا قدرت خود را به مدتی طولانی تضمین کند. قانون اساسی ۱۹۸۰ که از سوی محافل وسیع اپوزیسیون به مثابه بزرگترین مانع بازگشت کشور به دمکراسی ارزیابی می‌شود، نه تنها برای ژنرال پینوشه سمت رئیس‌کشور را تا سال ۱۹۹۰ پیش بینی کرده است، بلکه همچنین برای دوره پس از انتخابات نیز به نظامیان نفوذ نیرومندی در امور دولت می‌بخشد.

پینوشه کماکان بیست فر مانده کل نیروهای مسلح و رئیس شورای امنیت ملی را که می‌تواند در مسائل مهم، مانع اجرای تصمیمات یک رئیس‌جمهور غیر نظامی

تصمیم اکثریت مردم شیلی این امکان را دارد که هر لحظه بار دیگر حکومت نظامی اعلام کند، ایزاری که او از ۱۹۷۳ تا کنون تقریباً بدون وقفه به کار برده‌است.

حزب کمونیست شیلی، در یک کنفرانس مطبوعاتی چند تن از رهبران حزب در سانتیاگو، شکست پینوشه را پیروزی کل خلق شیلی دانست و بر ضرورت بسیج توده‌ها برای دستیابی به دمکراسی و آزادی تاکید کرد. در همین حال، رهبران حزب کمونیست شیلی نسبت به نقشه پینوشه برای ایجاد شکاف در اپوزیسیون هشدار دادند. در این کنفرانس گفته شد بزرگترین خطر این است که دیکتاتور تلاش کند در اجرای مقاصدش دایر بر جلوگیری از آغاز گفتگو میان نظامیان و اپوزیسیون، به درگیری‌هایی بین نیروهای مسلح و مردم دامن زند. کلودو میرو آلمیدا وزیر خارجه کابینه آینده و دبیرکل حزب سوسیالیست شیلی نیز که از ماه‌های قبل زندانی رژیم است طی مصاحبه‌ای گفت پیروزی "نه" تحت شرایط یک دیکتاتوری فاشیستی، نیروبخش دمکرات‌های شیلی است. وی افزود اکنون وظیفه اصلی، مبارزه برای کناره‌گیری دیکتاتوری و لغو قانون اساسی ۱۹۸۰ است. آلمیدا اظهار داشت با تقویت اتحاد عمل همه نیروهای دمکراتیک، می‌توان رژیم پینوشه را سرنگون کرد. آلمیدا خواهان لغو ممنوعیت احزاب سیاسی و بسندیکاها، برگزاری هر چه سریعتر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان و برسمیت شناخته شدن تناسب‌توانی پس از فرزند دوم از سوی نظامیان شد. □



پلیس در سانتیاگو - پینوشه سرکوبگر، هنوز قدرت را در دست دارد.

دشواری های اقتصادی یوگسلاوی

دینار و در کوزوو (منطقه آلبانی نشین) ۶۱ هزار دینار در ماه بود. به گفته برخی ناظران، در یوگسلاوی در واقع امر یک بازار داخلی فراگیر و واحد وجود ندارد، و مناطق مختلف، به حوزه های بسته ای می مانند که بدون رشته های قوی پیوند به یکدیگر، به حیات اقتصادی خود ادامه می دهند.

یوگسلاوی که به لحاظ مواد خام فنی است، شدیداً وابسته به نوسانات بهای مواد خام در بازار جهانی نیز هست. در صادرات یوگسلاوی، مواد خام در مقایسه با محصولات سهم بزرگی به خود اختصاص می دهند. این در حالی است که در حدود ۴۵ درصد ارزش حاصله از صادرات یوگسلاوی، به بازپرداخت وام های خارجی و بهره آن اختصاص می یابد. (یوگسلاوی در حال حاضر در حدود ۲۱ میلیارد دلار قروض خارجی دارد.) یوگسلاوی اخیراً تحت فشار طلبکاران خارجی، دست به یک رشته اقدامات مورد نظر آنها از قبیل تخفیف و کاهش کنترل قیمت ها و لغو محدودیت برای واردات زده است.

دشواری های اقتصادی یوگسلاوی، در سال های اخیر بطور پیوسته با کاهش سطح زندگی مردم همراه بوده است. آنچه امروز بصورت تظاهرات گسترده، بخصوص در مناطق عقب مانده تر بازتاب می یابد، نتیجه یک بحران اقتصادی مزمن است. آینده نشان خواهد داد که دولت یوگسلاوی تا چه حد در غلبه بر بحران از طریق رفرم های اقتصادی واجتماعی، موفق خواهد بود.

اخباری که این روزها درباره یوگسلاوی منتشر می شود، حاکی است که این کشور روزهای دشواری را می گذراند. موج تظاهرات، استعفای مسئولین و فراخوانهای مکرر دولت برای حفظ آرامش، از جمله گزارشی است که از یوگسلاوی می رسد.

در ماه گذشته، پارلمان یوگسلاوی یک برنامه ویژه برای تثبیت اوضاع اقتصادی، غلبه بر تورم، بیکاری و قروض خارجی به تصویب رساند. قرار است در سال جاری چند قانون اقتصادی در چارچوب رفرم مورد نظر، به تصویب پارلمان برسند. در چارچوب این رفرم، سرمایه گذاری خصوصی بصورت خرید سهام و فروش اوراق قرضه کارخانجات آزاد خواهد شد.

ناظران اقتصادی، یکی از دلایل دشواری های اقتصادی کنونی یوگسلاوی را استفاده گسترده از وام های خارجی برای مدرنیزه کردن صنایع می دانند. در دهه ۷۰، برای این سیاست حجم سرمایه گذاری ها رشد سریع تری در مقایسه با تولید ناخالص ملی داشت.

آنچه بر مشکلات امروزی یوگسلاوی می افزاید، تفاوت های چشمگیری میان مناطق مختلف این کشور از لحاظ سطح رشد اقتصادی است. مشخصه رشد اقتصادی در یوگسلاوی، پیشرفته تر بودن شمال غربی این کشور در مقایسه با مناطق جنوب شرقی (که از جمله مناطق سکونت اقلیت آلبانی است) بعنوان نمونه، دستمزد متوسط یک کارگر در سال ۱۹۸۷، در سلوونی ۲۷۲ هزار دینار در ماه، در بوسنی ۷۴ هزار

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی

پدید آمده اند که کنگره باید آنها را بررسی کند.

دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی "حسابرسی" به همه موفقیت ها و عدم موفقیت ها شد. وی گفت: اجرای نوسازی پیچیده مکانیزم اقتصادی، باید شتاب بیشتری یابد. یاکش افزود مهمتر از همه این است که شرایط مساعدی برای موفقیت کامل مکانیزم جدید مدیریت ایجاد شود. یاکش اظهار داشت روند نوسازی ارگانهای مرکزی حزب و دولت، در دوره اخیر پیشرفت هایی کرده است. میلوش یاکش درباره دمکراسی سوسیالیستی گفت: "نظام سوسیالیستی چکسلواکی، بروی پذیرش پلورالیسم سوسیالیستی، پلورالیسم عقاید، گشوده است، اما به هیچ وجه شکل گیری و نفوذ تشکلهای ضد سوسیالیستی را تحمل نخواهد کرد." پلنوم پیشنهاد کرد لادیسلا و آدامک بعنوان نخست وزیر پاول ریوانک بعنوان معاون اول نخست وزیر چکسلواکی انتخاب شوند. شمار کمیسیون های دائمی کمیته مرکزی، از چهار به ۱۳ افزایش یافت. میلوش یاکش دبیر کل حزب، مسئولیت کمیسیون باز نویسی برنامه را بر عهده گرفت.

در روزهای دوشنبه و سه شنبه دهم و یازدهم اکتبر، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی در پراگ برگزار شد. در پلنوم سطح ارتقای نوسازی در کشور بررسی گردید و تغییراتی در مقامات حزبی و دولتی داده شد. لویو میرا ستروگال که سالها سمت نخست وزیر را بر عهده داشت و در همین حال عضو هیات رئیسه حزب بود، از هر دو سمت خودکناره گرفت. معاون وی پتر سولوتکا نیز از سمت های خود استعفا داد.

میلوش یاکش، دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی در پلنوم از استروگال و سولوتکا بخاطر خدمت طولانی مدت به حزب و دولت تشکر کرد. وی خاطر نشان کرد پیشنهاد های رهبری حزب در زمینه تغییر کادرها، به منظور افزایش کیفیت کار ارگانهای حزبی و دولتی، ضرورت دارد. یاکش گفت بکارگیری افراد جدید، برای انجام وظایف خطیر نوسازی اقتصادی و اجتماعی صورت می گیرد. یاکش همچنین به پلنوم پیشنهاد کرد تاریخ برگزاری کنگره هجدهم حزب یک سال جلو کشیده و این کنگره در نیمه اول سال ۱۹۹۰ برگزار شود. وی گفت در حزب و جامعه وظایف جدیدی

جایزه صلح نوبل

بقیه از صفحه آخر

صحنه همه رمانهای او، محلات قدیمی قاهره است که محفوظ از کودکی در آن بزرگ شده است. محفوظ از ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ رئیس شرکت دولتی فیلم سازی مصر بود. وی سپس همده دار وزارت فرهنگ شد. وی پس از باز نشستگی در سال ۱۹۷۱، به فعالیت ادبی خود ادامه داد و از جمله، رمان "عشق در باران" را آفرید که به مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر مصر می پردازد. محفوظ در سال ۱۹۷۳ گفت: "هیچ یک از رمانهای من تباری از وجه سیاسی نیست."

اما تنها تحلیل دقیق مسائل روانشناسی جامعه امروز مصر نیست که محفوظ را تبدیل به نویسنده بزرگی کرده است. آنچه



بر اهمیت آثار محفوظ می افزاید، تصویرهای برجسته و واقع گرایانه او از انسانهاست.

محفوظ در سن ۷۷ سالگی هنوز کار می کند. وی سرگرم نوشتن یک رمان و چند ناول است. □

کمک های مالی رسیده بلژیک

بیاد فدایی شهید حاتم زاده	۴۶۰ فرانک
برای تدارک اولین کنگره سرو	۱۰۰۰ فرانک
یک رفیق یونانی	۲۰۰ فرانک
نوید	۳۰۰ فرانک
بیاد فدایی شهید ناصر شراره	۱۰۰ فرانک
ک.م. به س. از شونز	۱۰۰ فرانک
آرش	۱۰۰ فرانک
میناخ	۱۰۰ فرانک

کمک ۶۰۰ میلیون دلاری شوروی به افغانستان

اتحاد شوروی در جریان کنفرانس ویژه سازمان ملل متحد در نیویورک درباره افغانستان اعلام کرد در حدود ۶۰۰ میلیون دلار در آغاز گشایش صندوق ویژه کمک به بازسازی افغانستان، به این صندوق کمک خواهد کرد. سرمایه اولیه این صندوق، یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون دلار خواهد بود.

صدرالدین آقاخان، هماهنگ کننده برنامه ویژه سازمان ملل برای کمک به افغانستان، اعلام کرد در نخستین ساعات کنفرانس ویژه، در حدود ۷۰۰ میلیون دلار کمک نقدی و جنسی به صندوق کمک به افغانستان واریز شد. دولت آمریکا به بجهانه مبارزه انتخاباتی جاری، اعلام کرده است فعلا از کمک به این صندوق خودداری می کند.

نکته برجسته در این برنامه کمک به افغانستان، این است که کمکها، شامل مواد غذایی تجهیزات و وسایل نقلیه نه تنها در مناطق تحت کنترل دولت افغانستان، بلکه همچنین در مناطقی که در دست شورشیان است، توزیع خواهد شد. مقامات سازمان ملل توزیع این کمکها را بر عهده خواهند داشت. صدرالدین آقا خان مسئول این برنامه، از کمک ۶۰۰ میلیون دلاری شوروی بسیار استقبال کرد. و آنرا با در نظر گرفتن اینکه کمک سازمان ملل تنها شامل مناطق تحت کنترل دولت نخواهد شد، قابل توجه دانست.

حسن شرق نخست وزیر افغانستان بار دیگر بر آمادگی دولت افغانستان برای مذاکره بارهبران نیروهای ضد دولتی تاکید کرد. وی افزود که آماده گفتگو با ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان نیز هست.

در مسکو اعلام شد یولی ورنسوف، معاون وزیر خارجه شوروی با حفظ سمت، به عنوان سفیر اتحاد شوروی در افغانستان منصوب شده است. گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت "افغانستان کماکان یک زخم التیام نیافته است." و برای التیام آن، انتصاب یک مقام عالی رتبه بعنوان سفیر ضرور است.

تشکیل کابینه جدید لهستان

ترکیب کابینه جدید میچیسلاو راکفسکی نخست وزیر جدید لهستان به تأیید پارلمان این کشور رسید. برای نخستین بار در یک کشور سوسیالیستی، دارنده یک کارخانه خصوصی به عضویت کابینه درآمد. میچیسلاو ویلچک، وزیر جدید صنایع لهستان، تولید کننده خوراک حیوانات و دارنده سهام یک کارخانه دوزندگی پوست است.

راکفسکی در معرفی کابینه جدید لهستان گفت در راس فهرست اولویت های دولت جدید، کمک به کشاورزان، صنایع غذایی، ساختمان مسکن و حفظ محیط زیست است. راکفسکی بر ضرورت "اتحاد علیه حماقت، فریب و خود فریبی، تظاهر به فعالیت و اسراف کاری" تاکید کرد و گفت باید به میراث استالینسم پایان داد.

سران شوروی و چین دیدار خواهند کرد

فلاند خاطر نشان کرد هادی کردن روابط دو کشور بزرگ سوسیالیستی، به منافع کشورهای دیگر لطمه نخواهد زد. "سیاستمدار عالی رتبه چینی، افزود حتی پس از هادی سازی، روابط شوروی و چین، نه به لحاظ اقتصادی و نه به لحاظ سیاسی به دوره اتحاد در دهه ۵۰ باز نخواهد گشت، بلکه "خصلت نوینی" خواهد داشت. تنگ شیائوپینگ، بعنوان مبنای گسترش مناسبات با اتحاد شوروی، از همزیستی مسالمت آمیز، برابر حقوقی و سود متقابل نام برد.

درواکنش نسبت به اظهارات تنگ شیائوپینگ، گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت کشورش آماده برگزاری اجلاس سران شوروی و چین در اسرع وقت است و هر چه زودتر این دیدار صورت بگیرد، بهتر است. گراسیموف افزود هنوز در مورد زمان این اجلاس سران تصمیمی گرفته نشده است.

تنگ شیائوپینگ رئیس "کمیسیون نظامی مرکزی" و پر نفوذترین سیاستمدار چین، در دیار بار رئیس جمهور فلاند اظهار داشت وزیر خارجه چین تا قبل از پایان سال ۱۹۸۸ برای تدارک اجلاس سران شوروی و چین در سال ۱۹۸۹، به مسکو خواهد رفت.

به گزارش خبرگزاریها مطابق توافق که در پایان ماه سپتامبر، در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک، میان وزرای خارجه شوروی و چین به عمل آمده است، وزیر خارجه چین در ماه نوامبر ۱۹۸۸ از مسکو دیدار خواهد کرد و اندکی بعد، دیدار وزیر خارجه شوروی از چین، کارتدارک اجلاس سران را ادامه خواهد داد. آخرین دیداریک وزیر خارجه شوروی از یکن، در سال ۱۹۵۹ صورت گرفت. به گزارش خبرگزاری چین نو، تنگ شیائوپینگ در پاسخ به سؤال رئیس جمهور

آرامش نسبی در الجزایر

شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر پس از اعلام حکومت نظامی، در یک سخنرانی تلویزیونی گفت بحران اقتصادی دهه ۸۰، کاهش درآمدهای نفتی بر اثر تنزل قیمت نفت، خشکسالی طولانی و رشد شتابان جمعیت، در حال حاضر از دشوارترین مسائل کشور است.

هنوز دولت الجزایر آمار رسمی تلفات ناآرامی های اخیر را منتشر نکرده است. در گزارشهای خبرگزاریها شمار کشته شدگان تا ۴۵۰ نفر ذکر می شود. در این گزارشها آمده است تنها در روز دوشنبه در الجزیره ۳۰ تن کشته شدند.

الجزیره پایتخت الجزایر چند روز پس از اعلام حکومت نظامی در واکنش نسبت به تظاهرات گسترده ضد دولتی، آرامش نسبی خود را بازیافت. به گزارش رسانه های گروهی الجزایر در سایر شهرهایی نیز که در آن تظاهرات صورت گرفته بود، اوضاع به حال هادی بازگشته است. اما نیروهای ارتش و پلیس هنوز در خیابانها و میادین مهم الجزیره حضور نیرومندی دارند. آن محلات الجزیره که ناآرامی ها از آنجا آغاز شد، هنوز در محاصره زرهیوشهاست. مقررات منع عبور و مرور شبانه هنوز برقرار است.

اعتصاب عمومی در پرو

اعتصابیون خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۱۵۰ درصد شدند. تورم در پرو در حال حاضر به ۸۰۰ درصد می رسد! عکس، صحنه ای از اعتراض دانشجویان دانشگاه سان مارکوس لیما پایتخت پرو را نشان می دهد.

یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته، که به دعوت اتحادیه سراسری سندیکاها ی پرو برگزار شد، زندگی را در این کشور فلج کرد. در این اعتصاب در حدود ۱٫۵ میلیون کارگر، معلم، راننده، کارمند و دهقان شرکت کردند.



مردم و آتش بس

با بهره از مجموعه‌های از گزارشها

جماران ایجاد شده است، ذهن ما را به خود مشغول می‌کند. از پاسخ این پرسشهاست که گزینش بهترین و کاراترین شعارها، شناخت مهمترین گره‌گامهای مبارزه آبی برای آزادی، ممکن می‌شود. آنچه می‌خوانید، تقریر شده مجموعه‌های از گزارشهاست که به دوره پس از اعلام پذیرش آتش بس از سوی رژیم مربوط می‌شود. بدیهی است که این نوشته، نه حکم تحلیلی همه جانبه دارد و نه ادعای جامعیت. در صفحه ۸

مردم با شکست جمهوری اسلامی در جنگ و برقراری آتش بس، چگونه برخورد کردند؟ انتشار و گرومهای گوناگون اجتماعی، در ارتباط با آتش بس، صلح و بطور کل شرایط جدید، چه احساسات، روحیات و ذهنیاتی دارند؟ انتشار چیست و وجوه تمایز آنها در برخورد با تغییر موقعیت کدام است؟ اینها و دهها پرسش دیگر، در وضعیت نوینی که پس از "نوشیدن جام زهر" توسط خلیفه

جایزه صلح نوبل برای نجیب محفوظ نویسنده مصری

در استدلال هیات داوری برای اعطای جایزه نوبل به محفوظ آمده است این نویسنده مصری، سبکی از نگارش به هری را آفریده است که برای همه مردم مفهوم است. اطلاعیه هیات داوری می‌افزاید محفوظ با "آثار پرنکته‌ای که شاه به نحو تیزبینانه‌ای به واقعیت نزدیک است و گاه، چندین مفهوم را القا می‌کند، مهر خود را بر هنر رمان نویسی هری، هنری که دارای شمول هم بشری است، کوبیده" و به رشد زبان ادبی در فرهنگ هری یاری رسانده است. محفوظ در یازدهم دسامبر ۱۹۱۱ در قاهره متولد شد. در آن زمان نویسندگان و شاعران مصری هنوز می‌کوشیدند با تقلید از سبک‌های اروپایی در زبان هری، عقب ماندگی دوره تسلط عثمانی را جبران کنند. محفوظ از نخستین نویسندگانی است که سبک مصری مستقلی را آفریدند. قهرمانان داستانهای محفوظ همدمت مردم هادی کوچ و بازارند. بقیه در صفحه ۱۰

جایزه ادبیات نوبل ۱۹۸۸ به نجیب نویسنده مصری تعلق گرفت. محفوظ ۷۷ ساله که در قاهره زندگی می‌کند، بعنوان بنیانگذار رمان هری شناخته شده است. وی نخستین هری زبانی است که جایزه ادبیات نوبل دریافت می‌دارد. کتابهای محفوظ در جهان هری معمولاً با تجدید چاپ می‌شوند. بزرگترین نقاشان هری، کتابهای او را مصور می‌کنند. چندرمان او تا کنون به صورت فیلم سینمایی در آمده است. در کشورهای هری، صدها مقاله، نقد و مصاحبه در باره آثار نجیب محفوظ چاپ شده است. چند رمان مهم محفوظ عبارتند از "خانه‌ای برنیل"، "دزد و سگ‌ها" و "مسجدی در کوچه". نجیب محفوظ مبتکر نوعی از آثار است که از خود زندگی العام می‌گیرد و به لحاظ اجتماعی، انتقادی است. محفوظ در همین حال چندین سناریو برای فیلمهای رئالیستی نوشته است.

کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه

حزب واحد با برنامه واحد به پایان رسیده است. از این رو، کنگره تحقق وحدت بازم گسترده‌تر احزاب، محافل و شخصیت‌های کمونیست کشور را یکی از وظایف اصلی حزب دانست. کنگره همچنین از گفتگوهای جاری با حزب سوسیالیست کارگر ترکیه در چارچوب تلاش برای وحدت، استقبال کرد و خواهان تسریع آن شد. کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه از تلاشهای میهن پرستان کرد برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت حمایت کرد.

در روزهای مفتخ اکتبر ۱۹۸۸ در اوبرهاوزن (آلمان فدرال) کنگره مشترک حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه برگزار شد. این گردهمایی، در همین حال کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه گردید. نیات سارگین بعنوان صدر و حیدر کوتلو بعنوان دبیرکل حزب واحد، برگزیده شدند. کوتلو و سارگین در حال حاضر در زندان رژیم ترکیه به سر می‌برند. کنگره مؤسس، با ستایش از اعدام شجاعانه رفقا کوتلو و سارگین در بازگشت به میهن، خواهان آزادی نوری آنها شد.

کنگره، صلح و دموکراسی را

"مهمترین مسائل ترکیه" دانست و از "راه مسالمت آمیز پیشرفت اجتماعی و دگرگونی‌های بنیادین" جانبداری نمود.

در نخستین بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست متحد ترکیه آمده است: "روشن است که با تشکیل حزب متحد کمونیستهای ترکیه، هنوز روند وحدت همه کمونیستهای ترکیه در

یاد بهیجه بوران گرامی باد!

بهیجه بوران که در سال ۱۹۱۵ متولد شده بود، از برجسته ترین چهره‌های جنبش کارگری و جنبش زنان ترکیه محسوب می‌شد. او سالهای متعددی در زندانهای ترکیه به بند کشیده شده بود. اکنون در سالروز درگذشت بهیجه بوران، آرزوی شریف هو مبنی بر وحدت کمونیستهای ترکیه، از طریق وحدت دو حزب کمونیست و کارگر و تدارک وحدت با حزب سوسیالیست کارگران ترکیه، در آستانه تحقق است؛ وحدتی که کوششهای بهیجه بوران در تامین شرایط آن نقش بسزایی داشته است.



کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه در ست یکسال پس از درگذشت رفیق بهیجه بوران دبیرکل وقت حزب کارگر ترکیه برپا شد. یکسال پیش اعلام وحدت حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه را رفقا بوران و کوتلو از طریق صدور اطلاعیه‌ای اعلام داشته بودند. و اینک جشنواره برپایی کنگره وحدت با یادواره بهیجه بوران همزمان شده است.

در ماه جاری در ترکیه و کشورهای مختلف جهان نیروهای مردمی و مترقی یاد بهیجه بوران را با برپایی اجتماعاتی گرامی داشتند.

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

AKSARIYAT
NO. 229
MONDAY, 17 OKT. 88

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: **Address:**
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک‌های
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید